

حقوق و عدالت

مؤلف: کامران عباسی خو



انتشارات مانز

سرشناسه	:	عباسی خو، کامران، ۱۳۴۵ -
عنوان قراردادی	:	نهج البلاغه، فارسی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	:	حقوق و عدالت/ مولف کامران عباسی خو.
مشخصات نشر	:	تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، نیروی زمینی، انتشارات معاونت تربیت و آموزش، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	:	۵۰ ص.
شابک	:	۴۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۶-۹۲-۵
وضعیت فهرست	:	فیا
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نظریه درباره حقوق
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نظریه درباره عدالت
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه - برگزیده - نقد و تفسیر
موضوع	:	فقه
موضوع	:	عدالت (اسلام)
شناسه افزوده	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه، برگزیده، شرح
شناسه افزوده	:	ایران، ارتش، نیروی زمینی، انتشارات معاونت تربیت و آموزش
رده بندی کنگره	:	۲۸۰.۹۹BP / ۲۷ع ۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۹۵۱
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۹۲۵۳۰۴

انتشارات مانز: ۲۳۷۸۲۳۷۲

نام کتاب: حقوق و عدالت

مؤلف: کامران عباسی خو

مدیر مسئول انتشارات: علی دلاوری

ویراستار ادبی و فنی: مصطفی گیل املشی

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۱

تیراژ: ۵۰۰ جلد

حروف چینی و صفحه آرایی: ابوالفضل صیاد

لیتوگرافی: لیتوگرافی امیر شهید سپهبد علی صیاد شیرازی

چاپ و صحافی: صحافی فتح المبین

قیمت کتاب: ۴۵۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۶-۹۲-۵

پیش‌گفتار

کتاب نهج البلاغه در عصر خود پیامی است فراتر از زمان و جوار، بلکه فراتر از همه اعصار تمدن بشری! امروزه که بشر، مدعی دستیابی به عالی‌ترین شکل تمدن و فرهنگ ارزشی است و دم از حقوق بشر و حتی حمایت از حیوانات و یا حفظ محیط زیست می‌زند، علاوه بر پوشالی بودن بسیاری از شعارهایی که مطرح می‌کنند در بعد قانون‌شناسی و قانون‌گذاری نیز ضعف‌هایی دارد که اگر با کتاب نهج البلاغه امام علی (ع) مقایسه شود و عنصر زمان و ظرفیت و نیازها نیز ملاحظه گردد، اوج‌های آن کتاب و ناستی‌های دست‌نوشته‌های بشر متمدن این عصر آشکار خواهد شد!

هرچند پذیرش این نکته - در نگاه نخست - برای دلباختگان فرهنگ‌های مادی و دورماندگان از مکتب وحی و رسالت مشکل خواهد نمود، اما تأمل و واقع‌بینی، آنان را به تواضع در برابر حق و اخاوه داشت.

کتاب نهج البلاغه امام علی (ع) یکی از گنجینه‌های بزرگ اخلاقی اسلامی و بهترین سرمایه و دستورالعمل خودسازی و تهذیب نفس و عالی‌ترین درس برای اخلاق علمی و اجتماعی و سیاسی و حکومتی است، و موثرترین برنامه برای ساختن جامعه پویا و پاک و سالم اسلامی است که بتواند در جامعه جهانی بدرخشد.

به حول قوه الهی تصمیم داشتیم در مورد (حقوق و عدالت) همچون رساله حقوق امام سجاد (ع) مطلبی را جمع‌آوری نمایم بهترین منبع را کتاب نهج البلاغه دانسته چرا که امیرالمومنین علی (ع) خود نمونه کامل حقوق و عدالت در جهان اسلام است و این برای هرکسی واضح و آشکار می‌باشد و کتاب را رساله حقوق و عدالت نام نهادیم که نمودی از حقوق و عدالت از امام علی (ع) بر همگان شناسانده شود.

کتاب مذکور شامل ۷ فصل می‌باشد که در فصل اول کتاب تحت عنوان ((حقوق، حقوق))، فصل دوم ((عدل، عدالت))، فصل سوم ((قاضی، قضاوت))، فصل چهارم ((مجرم، مجازات))، در فصل پنجم ((ظلم و ستم))، در فصل ششم ((آزادی)) و در فصل هفتم ((حاکم، حکومت)) جمع‌بندی شده است. انشاءالله که مورد توجه خوانندگان محترم قرار بگیرد و در پایان عرض ما به خالق مهربان این دست، ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا.

کامران عباسی خو

هیجدهم مرداد سال ۱۳۹۱

نوزدهم رمضان ۱۴۳۳

مقدمه

هر قدر انسان در اقیانوس بی‌کرانه نهج البلاغه، بیشتر شناور شود به اعماق آن برای استخراج گوهرهای برنامه‌های سعادت بخش، فروتر رود، عظمت این کتاب و شمول و جامعیت آن آشکار می‌شود.

در اندیشه و سیر امام علی(ع) عدالت و برپایی آن مهم‌ترین و والاترین موضوع زیست انسانی-ایمانی است، به گونه‌ای که جز در پرتو عدالتی فراگیر نمی‌توان از دین و ایمان، و سلامت و سعادت به درستی سخن راند و زندگی انسانی و ایمانی داشت، و در عرصه جامعه، سیاست، حکومت، مدیریت، اقتصاد، قضاوت و دیگر عرصه‌ها از سلامت و کمال بهره‌مند بود. آن‌چه در رویکرد به عدالت، اساسی است؛ این است که راه برپایی و تحقق عدالت چیست؟ بی‌گمان تا مفهومی روشن از عدالت ارایه نشود، نمی‌توان عدالتی را پی گرفت، و تا ملازمات تحقق عدالت تبیین نگردد و به درستی به اجرا درنیاید، عدالتی محقق نمی‌شود و نیز تا عدالت در همه حوزه‌های آن مورد توجه قرار نگیرد، عدالت فراگیر معنا نمی‌یابد.

نهج البلاغه به عنوان گرانقدرترین مجموعه آموزه‌های امام علی(ع) راه‌گشای شناخت عدالت و آموزگار برپایی عدالت فراگیر است؛ و از جمله ملازمات اساسی تحقق عدالت، شناخت حقوق و برپایی و پاسداشت آن است. در این جهت لازم است عدالت بر مبنای آموزه‌های امیرمؤمنان(ع) علی مفهوم شناسی گردد تا مشخص شود که در پرتو عدالت چه روی می‌دهد، و نیز لازم است حقوق مفهوم شناسی تا معلوم گردد که کدام حوزه از حقوق ملازم عدالت انسانی است که باید پی گرفته شود و برپا گردد؛ و این که ملازمت و پیوند و همگامی عدالت و حقوق چگونه است تا بتوان از راه تبیین حقوق و ترسیم ملاحظات حقوقی و پاسداشت همه جانبه حقوق، مسیر تحقق عدالت را هموار کرد.

از مجموعه آموزه‌های امام علی(ع) در نهج البلاغه و در خانواده احادیث آن می‌توان دریافت که از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ملازمات عدالت و تحقق آن، حقوق است. تا زمانی که حقوق در حوزه‌های مختلف آن، به درستی تبیین و تعریف نشود و در همه عرصه‌های آن، پاسداری نگردد و بر عمل به حقوق پایداری صورت نگیرد، عدالتی جلوه نمی‌یابد، چنان که امام علی(ع) در خطبه‌ای که در عرصه پیکار صفین درباره حقوق ایراد کرد، فرمود:

فإذا أدت الرعية إلى الوالي حقه، وأدى الوالي إليها حقها، عز الحق بينهم، وقامت مناهج الدين، واعتدلت معالم العدل (همان، خطبه ۲۱۶).

پس چون مردمان حق سرپرست را بگزارند، و سرپرست نیز حق مردمان را به جای آرد، حق در میان‌شان بزرگ مقدار شود، و راه‌های روشن دین برپا گردد، و نشانه‌های عدالت بر جای ایستد.

بر این مبنا، شناخت پیوند تنگاتنگ عدالت و حقوق، و تلاش برای محقق عدالت از مسیر پاسداشت حقوق، از آموزه های اصلی و راه کارهای اساسی در اندیشه و سیره امام علی(ع) در نهج البلاغه است.

تعریف حقوق

در لغت جمع حق، و به معنای ۱- راستی ها، درستی ها، ۲- وظایف، تکالیف، ۳- در فارسی بنه معنای دستمزد، ۴- مجموعه قوانین، قواعد و رسوم لازم الاجرا می باشد.

در اصطلاح حقوق مجموعه مجموعه قوانین و مقررات حاکم بر ارتباط اجتماعی انسان ها که باعث نظم در جامعه می شود. در واقع حقوق علم بررسی قواعد اجتماعی و سیر تحول این قواعد است. بررسی روابط بین دولت و شهروند (حقوق عمومی)، روابط بین اشخاص خصوصی با هم (حقوق خصوصی)، حقوق بین الملل و به مسائل و روابط بین ملت ها، دولت ها، اشخاص و سازمان ها در عرصه فراملی و بین دولتی می پردازد.

در کتاب شریف نهج البلاغه اقسام مختلف حقوق، مورد توجه امام علیه السلام قرار گرفته و به مناسبت هایی از همه ی آنها بحث فرموده است. گاهی سخن از حقوق اخلاقی و مدنی و زمانی بحث از حقوق سیاسی و بین المللی و وقتی هم فرمایشی در مورد حقوق بشر و... دارد.

پیش از آن که بشریت پس از گذشت قرن ها و تحمل مشکلات و تشکیل کنفرانس ها به این اقسام حقوق مخصوصاً 'حقوق بشر' دست یابد، امام علیه السلام آن را به طرز بسیار جالب و دور از اشتباهات و تکرار مکررهایی که گاهی اوقات در این اعلامیه ها دیده می شود، مورد توجه قرار داده و در بکار بستن آن ها پیش گام بوده است.

حقوق در نهج البلاغه

«حق» در لغت به معنای درستی، مطابقت، موافقت، یکسانی، امر ثابت، ضد باطل و قرار داشتن چیزی در جا و موقع خود است (کتاب العین، ج ۱، ص ۴۰۷، المفردات، ص ۱۲۵، النهاية فی غریب الحديث و الاثر، ج ۱، ص ۴۱۳؛ لسان العرب، ج ۳، ص ۲۵۵)؛ و در نهج البلاغه «حق» در پنج معنای اصلی دیده می شود و نیز معنای دیگری که به این پنج معنا بازگشت می کند که دو معنای نخست حقیقی و سه معنای دیگر اعتباری است (همان؛ و نیز: آیین شهریار و دینداری، صص ۱۴۸-۱۴۹).

۱- حق به معنای واقعیت و امر واقعی:

یعنی به واقعیت عینی و خارجی حق گفته می شود. مثلاً مرگ امری واقعی است، از این رو حق است.

۲- حق به معنای حقیقت:

یعنی به ادراک مطابق با واقع که حقیقت است، حق گفته می‌شود. مثلاً ادراک این که مرگ وجود دارد و اعتراف بدان، یک حقیقت است؛ از این رو حق است.

۳- حق به معنای اجازه، رخصت و اختیار:

مثلاً وقتی گفته می‌شود آدمیان حق پرسش دارند، معنایش این است که رخصت دارند و در استفاده یا عدم استفاده از این حق مخیرند، و این امر برای آنان مجاز است.

۴- حق به معنای استحقاق:

یعنی سزاواری شخص نسبت به چیزی یا سزاواری امری نسبت به امر دیگر؛ مانند حق تقدیر و تنبیه، و پاداش و مجازات.

۵- حق به معنای طلب و مطالبه:

یعنی کسی از دیگری مطالبه و انتظاری داشته باشد و به طور متقابل این امر برای آن دیگری هم لحاظ شود. مانند حق مردمان بر زمامداران و حق زمامداران بر مردمان.

تعریف عدالت

عدالت در لغت معادل نظم و ادب است. در پارسی «داد» معادل عدل، و «دادمندی» یا «دادگری» معادل عدالت است. «دادگر» نیز معادل عادل می‌باشد. «دادگستر» نیز به معنای گسترنده‌ی عدل است. از دیگر واژه‌های دارای ترکیب داد در پارسی، دادگاه، دادیار، دادستان، دادخواهی، داددهی، دادرسی، دادپرسی و غیره می‌باشند. واژه‌ی «داد» برگرفته از «داتا»ی ایرانی باستان به معنای «قانون» است.

عدالت در اصطلاح فقهی صفت کسی است که گناه کبیره نکند و بر گناه صغیره اصرار نرزد. عدالت در اخلاق یونانی صفت کسی است که هر سه صفت حکمت، شجاعت و عفت را داشته باشد.

عدالت را در فلسفه «هر چیز در جای خود» معنی کرده‌اند و به تعبیر دیگر درون بودن و متعادل بودن.

این معنی از عدالت در تمام عالم آفرینش، در منظومه‌ها، در درون اتم‌ها، در ساختمان وجود انسان، و همه گیاهان و جانداران حکم فرماست.

این همان است که در حدیث معروف پیامبر (ص) آمده که فرموده:

بالعدل قامت السموات و الارض؛ به وسیله عدالت آسمان‌ها و زمین بر پاست.

معنای دیگر عدالت ((مراعات حقوق افراد)) است. و نقطه مقابل آن ((ظلم)) یعنی حق دیگری را گرفتن و به خود اختصاص دادن، یا حق کسی را گرفتن و به دیگری دادن، تبعیض قائل شدن، به این

ترتیب که به بعضی حقوقشان را بدهند و بعضی ندهند. روشن است معنی دوم ((خاص)) و معنی اول ((عام)) است. قابل توجه این که هر دو معنی ((عدل)) در مورد خداوند صادق است هر چند در این مباحث بیشتر معنی دوم منظور است.

عدالت اجتماعی یعنی طراحی و اجرای نظام حقوقی به گونه‌ای که هر کس به حق عقلانی‌اش برسد و در مقابل آن حقوق، وظایفی را انجام دهد یا مسئولیت و عواقب تخلف از آن را بپذیرد. با این حال در تعریف عدالت اجتماعی توافق محکمی وجود ندارد.

به قولی داد یا عدالت به عنوان مفهومی اجتماعی عبارت است از داوری بر پایه برابری. با این مفهوم داد در مقابل بیداد (بی عدالتی) که به معنی قضاوت ناعادلانه است قرار دارد.

عدالت در نهج البلاغه

در این میان، امیرمؤمنان (ع) علی، با جایگاه ویژه خود، در راه تلاش برای تحقق عدالت انسانی، درباره عدالت و مفهوم شناسی آن، به طور مستقیم و غیرمستقیم، سخن‌ها گفته است که در این بین می‌توان پنج مفهوم را مورد توجه قرار داد.

۱. قرار دادن و قرار یافتن هر چیز در جای خودش این مفهوم از عدالت که دارای سابقه ای دیرین است، بدین معناست که هر چیز و هر کس، در هر حوزه و جایگاهی، آن جا قرار گیرد که بایسته و شایسته آن است، چنان که امام علی (ع) در این باره فرمود:

عدالت کارها را بدانجا می‌نهد، که باید. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷)

این مفهوم در تمام سخنان و عملکرد عدالت خواهانه امیرمؤمنان علی (ع) لحاظ شده است. تلاش امام (ع) در حکومت خود بر این بوده است که همه چیز در جای خود قرار گیرد، این مفهوم در همه امور روان است، که هر کجا پاس داشته شود، عدالت معنا یافته و هر کجا نادرایی صورت گیرد، ستم پدید آمده است.

۲. انصاف و داد: «انصاف» در روابط و مناسبات اجتماعی و امور سیاسی و اداری به مفهوم نصف کردن سود و زیان میان خود و دیگران و پاس داشتن «داد» و حفظ حقوق دیگران همانند حفظ حقوق خود، و در مقام داوری حقوق طرفین را یکسان و برابر رعایت کردن است. انصاف در این وادی، بدین معناست که هر کس حقوق دیگران را رعایت کند و آن را چون حقوق خود بداند و برای دیگران حقوقی برابر خود قائل باشد و آن چه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز بخواهد و مزایا و بهره های زندگی را میان خود و مردمان برابر تقسیم نماید. همچنین به معنای دادخواهی و گرفتن حق و دادن آن است. در آموزه های علی آمده است:

«عدالت یعنی انصاف». (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱)

۳. مساوات: عدالت در آن جا که سخن از حقوق عمومی و قرار گرفتن در برابر قانون و بهره‌مندی از فرصت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، به مفهوم مساوات و برابری است؛ و آن جا که سخن از حقوق شخصی و مراتب و ملاحظه توانمندی‌های گوناگون است، به مفهوم تفاوت و تناسب حق‌ها است.

۴. رعایت حقوق و رساندن هر ذی‌حقی به حقی: عدالت در این مفهوم، رعایت حق هر دارای حقی است، هرچند که آن حق داران، مخالفانی باشند همچون خوارج؛ اعتدال و میانه‌روی: عدالت به مفهوم اعتدال و میانه‌روی در آموزه‌های امام علی(ع) و در روابط و مناسبات شخصی، اجتماعی، مدیریتی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه و تأکید است.

همگامی عدالت و حقوق

عدالت و حقوق کاملاً هم‌پا و همگام‌اند، به طوری که امکان ندارد گامی در تحقق عدالت برداشته شود و حقی برپا نگردد. در واقع با تحقق حقوق است که عدالت محقق می‌شود، برپایی عدالت در گرو برپایی حقوق است، و این دو دوشادوش یک‌دیگرند و هم‌پای هم پیش می‌روند. بنابراین عدالت این است که حقوق همه کس و همه چیز با دقت و به تمامی پاس داشته شود.

تأکید بر عدالت حقوق مدار

عدالتی که امیرمؤمنان علی(ع) بر آن پای می‌نهاد، عدالتی حقوق مدار است؛ عدالتی که بر مبنای تعریف حقوق و حدود و پاسداشت آن‌ها معنا می‌یابد. از این روست که امام (ع) عدالت خود را با بیان و عمل به حقوق جلوه می‌بخشید.

پاسداشت حقوق همگان جهت برپایی عدالت در حکومت علی(ع) چنان بود که مخالفان وی به راحتی و بدون هرگونه نگرانی مخالفت خود را ابراز می‌کردند و امام هرگز حقوق آنان را محدود نکرد. نمونه بارز این امر، رفتار امام در برابر مخالفت‌های خوارج است. رفتار نادرست و سخنان درشت و تهدیدهای زننده آنان وی را به عدول از مواضع خود در پاسداشت حقوق همگان حتی مخالفان نکشاند.

نتیجه

از بررسی مفهوم شناسی حقوق و عدالت می‌توان گفت که عدالت و حقوق رابطه تنگاتنگ با هم دارند و در هم تنیده و همراه و هم‌گامند، و این که نمی‌توان بدون تبیین حقوق و پاسداشت آن، عدالتی را محقق کرد.